

## عراق در ورطه نابودی

پایان حزب حکمتیست (خط رسمی)

### زمینه های بحران امروز عراق

حمله آمریکا به عراق و اشغال آن توسط ارتش آمریکا و متحدین آن، از هم پاشیدن شیرازه زندگی مدنی در عراق، سیاه ترین و ارتجاعی ترین نیروهای مذهبی و قومی را بجان مردم عراق انداخت.

حمله آمریکا و اشغال عراق بیشترین امکان را برای قدرتگیری جریانات ارتجاعی از اسلام سیاسی گرفته تا انواع جریانات باند سیاهی و قومی و کاندستهای سیاسی در عراق و در کل منطقه، فراهم کرد.

حمله نظامی و اشغال عراق توسط آمریکا، شیرازه جامعه عراق را از هم پاشاند. و به جای آن برای مردم مصیبت دیده عراق، بر خرابه ها و جنازه های قتل عام شدگان، باطلاق مهبایی برای رشد هر نوع ویروس ملی، مذهبی، قومی و مافیایی ارتجاعی تری از صدام، برجای گذاشت.

عراق بعد از "آزاد سازی"، محل تحرک انواع ارتجاع های بومی و غیربومی، منطقه ای، محلی و بین المللی شد. شیرازه جامعه و زیرساخت های مدنی، اقتصادی و سیاسی آن تماما درهم شکست، از این طریق صدام سرنگون شد و همراه خود میلیتاریسم غرب، ناجی عراق را هم بی مصرف و شکست خورده، از صحنه خارج کرد. عراق را برای عراقی ها "برجای گذاشتند، تا خود جامعه ناموجود را اداره کنند و در میدان بمب و ترور هرروزه انواع دستجات و

عراق یکبار دیگر صحنه جنگ، قتل عام و کشتار شد. شهرهای موصل، تکریت و فلوجه هفته گذشته شاهد یورش نیروهای دولت اسلامی عراق و شام معروف به داعش، شاهد کشتار، قتل و آوارگی صدها هزار نفر بودند. هر سه شهر بدون کمترین مقاومتی از طرف ارتش و نیروهای دولتی، به تصرف این جریان باند سیاهی و متحدینش درآمدند. مردم بیگناه در عراق اینبار نه به نام دمکراسی و زیر بمب باران بمب افکنهای آمریکا، که به نام جنگ شیعه و سنی و بدست نیروها و جریانات باند سیاهی به خون کشیده شدند. اینبار وظیفه به خون کشیدن جامعه را نه چکمه پوشان آمریکا که تروریستهای داعش و بازماندگان ارتش بعث به عهده دارند.

برخلاف تبلیغات اولیه و هالیوودی میدیایی غرب، عروج هیولا و جانوری چون داعش که امروز افسار گسیخته در عراق پیش میرود، جولان میدهد و با شمشیر و قمه اسلام و سنی گری مرعوب و قتل عام میکند، نه رعدی در آسمان بی ابراست و نه پدیده ای داخلی و مربوط به مسائل داخلی عراق! خاورمیانه و عراق پس از پایان بحران سوریه و پس از شکست پروژه امپریالیستی آزاد سازی سوریه به مدل عراق و لیبی، نمی توانست محصولات محلی و منطقه ای کمتر چرکین و کم خطرتری از داعش تولید کند.

دخالت نظامی آمریکا، آینده جامعه عراق را بدست جریانات قومی - عشیره ای سپرد. و یکی از نمایندگان این ارتجاع، دولت مالکی، به نام شیعه به قدرت رسید. تشتت و بن بست امروز دولت عراق، شکافها و کشمکش در صفوف ارتجاع در عراق، شکاف نیروهای سنی و شیعه، یعنی و غیر یعنی، سناریوی دخالت نظامی آمریکا را به قیمت تباهی کامل جامعه عراق، به بن بست کشاند، بن بست که زمینه تحرک مجدد نیروهای بعثی را در قالب سنی و داعش فراهم کرده است.

### در حاشیه رویدادهای هفته

فواد عبدللهی

#### ایستگاه بعد: عراق!

بیش از دو دهه حملات نظامی آمریکا به عراق تحت نام "جنگ خلیج" نه تنها به موقعیت آمریکا کمکی نکرد بلکه همراه با گسست کامل شیرازه زندگی مدنی آن جامعه از هم، سیاه ترین نیروهای دست ساز مذهبی و قومی تاریخ بشر را بجان مردم عراق و منطقه انداخت و بدین ترتیب آغازگر بربریت های عظیم قرن ۲۱ در منطقه خاورمیانه شد. گفتند که می ریزند عراق را می گیرند، و بر کل مناطق نفتی خاورمیانه سلطه کامل پیدا میکنند، و ضربه شستی به دنیا نشان میدهند که بیا و ببین چه کسی رئیس است. ساهاست که میلیون ها عراقی با آهنگ انفجار بمب، و با آواز جنون گشت های مسلح اسلامی و قومی در شهرها زندگی می کنند. عراق امروز در سایه نظم نوین بوش ها، بلرها، دک چنی ها، رامسفلد ها، اوباماها و کلینتون ها، تحت نظارت مستقیم حضراتی که تمام دوران زندگی شان را پشت کلیدهای فرمان پرتاب موشک و یاد ااتاقهای جنگ و آدمکشی ساختمان مرکزی پنتاگون گذرانده اند، به یک سیاهچال اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تبدیل شده است.

در این میان آنچه نمی تواند پرده پوشی شود، این واقعیت است که هزاران هزار از عادی ترین مردم عادی در این ماجرا به دست ارتش آمریکا در جوار لجن ترین باندهای سیاه مذهبی و قومی کشته شده اند. انگار که پلدرچین شکار می کنند؛ و این همه تحت نام دمکراسی و حقوق بشر صورت گرفته است. نامی که با آغاز دنیای بعد از جنگ سرد با کشتار جمعی و چپاول سیستماتیک تداعی می شود. کمتر کسی هست که امروز دیگر نداند "بازسازی" عراق، جزوه پاره پاره شده ای است در کنج یک قفسه متروک.

شکست استراتژی نظم نوین جهانی آمریکا و پادوهایش قابل پیشبینی بود. با خزیدن مجدد اسد به تخت ریاست، رویای سوریه متحد غرب، عملا دود شد؛ استراتژی انقلاب القاعده ای - سلفی آمریکا توسط اوباما و عربستان در تحولات منطقه به گل

نشست؛ ... صفحه ۳

گروه های تروریستی، "امینت خود" را تضمین کنند. از پیش روشن بود که در خلا حضور یک نیروی مترقی، کمونیستی و کارگری، شکست میلیتاریسم آمریکا در عراق، جز قدرتگیری جریانات ارتجاعی دیگر، بخصوص اسلامی و قومی، نمی توانست نتیجه دیگری داشته باشد. نیروهایی که بعنوان "ناجیان" کرامت انسانی و امنیت از دست رفته مردم عراق، و با پرچم ضدیت با امپریالیسم عروج کردند. شکست میلیتاریسم آمریکا همزمان به معنی تبدیل شدن عراق به منطقه نفوذ جمهوری اسلامی، بود.

شکلگیری و تولد داعش، القاعده و انواع جریانات باند سیاهی، بعنوان متحدین و دست پروردگان دول غربی و در راس آنها آمریکا، دستاورد بیش از بیست سال تحرک آمریکا در عراق و در خاورمیانه است. جبهه النصر و داعش در سوریه و عراق، دست پرورده و فرزند خلف آمریکا و دولتهای غربی، فرزند جنون پنتاگون و هم پیمانان آنها در منطقه، دست پروردگان دولتهای مترجعی چون عربستان و قطر و مدافعان محلی آنها در عراق، از جنگ خلیج تا کنون اند. تولد ارتجاعی ترین جریانات اسلامی مانند القاعده، مقتدی صدر و جریانات باند سیاهی امثال داعش در عراق، محصول مستقیم اشغال عراق توسط ناتو، دخالتگری نظامی در لیبی و سوریه است.

بحران امروز در عراق نتیجه مستقیم شکست آمریکا در سوریه و حل و فصل جدال ارتجاع منطقه و تجدید آرایش این ارتجاع در منطقه است.

نتیجه کشمکش میان ایران و سوریه از یکطرف و عربستان، قطر و ترکیه از طرف دیگر است. کشمکش که پس از شکست آمریکا در سوریه قرار است به نیروی خود این قطبها حل و فصل شود. ... صفحه ۲

### زنده باد کارگران برزیل

آژمدرسی

امسال هم تب و تاب جام جهانی فوتبال در برزیل دنیا را گرفته. اما اینبار نه زیبایی بازی ها و بخصوص بازی زیبای تیم برزیل که زشتی و کراهت جامعه ای که قرار است بر شانه های فقر طبقه کارگر و اکثریت آن جامعه، جیب فیفا و دولت برزیل را پر کند، توجهها را به خود جلب کرده. علیرغم تلاش دولت برزیل و میدیای دست راستی در حاشیه ای کردن اعتراض میلیونونی در برزیل، علیرغم تلاش برای حفظ چهره زیبای جام جهانی و شادی دوستداران فوتبال، جام جهانی امسال زیر سایه اعتراضات اجتماعی و بخصوص اعتراضات طبقه کارگر قرار گرفته است. ... صفحه ۴

دنیای پس از شکست آمریکا در سوریه، همچنان دنیایی سیاه و خارومیانہ کماکان میدان تاخت و تاز ارتجاعی ترین جریانات، اینبار بدون دخالت مستقیم غرب، است. دنیایی که در شکل یافتن آن، به نحو ریاکارانه و مضمنز کننده ای، ظاهراً دول غربی و در راس آن آمریکا، بی نقش و بی تقصیر است! دنیایی که در آن قرار است ارتجاع محلی اینبار به بهانه شکل دادن به دمکراسی محلی و به نام شیعه و سنی، بدون دخالتگری نظامی دول غربی، با اتکا به انواع جریانات باند سیاہی، زندگی میلیونها انسان در منطقه را به تباهی بکشند.

دول غربی و در راس آن آمریکا قرار نیست از این پس هزینه خون پاشاندن به زندگی مردم منطقه را بدهند. داعش و القاعده و شیخ عربستان این وظیفه شریف را به عهده دارند. قرار است دامن زدن به جنگهای قومی، ملی، مذهبی و تحمیل استیصال به دهها میلیون انسان در منطقه را انواع جریانات، باندها و گانگسترهای نظامی و بورژوازی منطقه، از ایران تا عربستان و قطر و ترکیه، به عهده بگیرند. شاخ و شانه کشیدنیهای پوچ دول غربی و در راس آن آمریکا و سپردن حل مسئله به دولت عراق و بورژوازی محلی، اعلام رسمی این سیاست است. این دنیای پس از شکست آمریکا و غرب در لیبی و سوریه است.

متحدین محلی آمریکا در منطقه، ترکیه، عربستان و قطر، شکست خود در سوریه و پیروزی اسد و متحدینش، ایران و حزب الله، را باید اینبار بدون دخالت مستقیم آمریکا جبران میکردند. تصرف شهر موصل جواب این شکست و کشیدن دامنه بحران سوریه به عراق و دولت شیعه آن، بعنوان متحد ایران، بود. دولتی که خود نتیجه بند و بست

و توافقات دسته جات مسلح قومی و مذهبی و منشاء اشاعه نفرت قومی و مذهبی است که جامعه عراق را برای تولید ویروسهای قومی و مذهبی از جمله دارودسته مسلح داعش آماده کرده است. برای پیشروی این دول مرتجع منطقه ای، چه بازویی قابل اتکا تر از دهها هزار نیروی مجهز نظامی ارتش بعث، که مدتها در کمین چنین فرصتی دست به پول و اسلحه در حاشیه و در انتظار چنین فرصتی بودند. نیروی بعثی که، با پرچم رعب و وحشت داعش به میدان بیاید.

جامعه عراق هرگز تا این حد مملو از نفرت و کینه قومی و مذهبی نبوده است. تصاویر سیاہ روزهایی که جوانانی که به نام شیعه یا سنی برای کشتن همدیگر دست به اسلحه برده اند، هزاران انسان بیگناهی که آواره شده اند و به کوچ اجباری کشیده میشوند، جامعه ای که به یمن پیروزی دمکراسی غربی به ویرانی کشیده شد، مناطق کرد و شیعه و سنی فی الحال تقسیم شده، از امروز در مقابل چشم همگان رژه میروند. تجزیه عراق به جزائر قومی و مذهبی، شیعه و سنی، به سرانجام نخواهد رسید. این تجزیه ای است که نه فقط پایان جنگهای صلیبی و قومی در عراق نیست، که سرآغاز یکدور دیگر از جنگ و خونریزی در جامعه عراق و به تباهی کشیدن کامل این جامعه است. تباهی که تاثیرات خود را بر سایر کشورهای منطقه نیز خواهد داشت.

تحرك داعش و بازماندگان رژیم بعث در عراق، قرار است توازن قوا میان قطبهای ارتجاع در منطقه، ایران و عربستان و ترکیه، را تعیین کند. سلب مسئولیت دول غربی از دخالت در عراق و همزمان میدان دادن به تحرك دولت ایران، و بالاخره روانه شدن سپاه قدس برای پاکسازی داعش، عراق را به محمل حل تناقضات و کشمکش عربستان، ترکیه و ایران تبدیل کرده است.

تضعیف دولت مرکزی شیعه "پرو ایران" و تجزیه عراق، یک رکن تضعیف موقعیت جمهوری اسلامی در منطقه است. این کشمکشی است که قرار است نه فقط پشت میزهای مذاکره، که با به خون کشیدن هزاران نفر از مردم بیگناه عراق، و با پراه انداختن

نسل کشی های متقابل شیعه و سنی، حل و فصل شود. بحران کنونی جامعه عراق قرار نیست به تجزیه عراق و یا چند قدرتی شدن آن بینجامد. این بحران، اگر توسط یک نیروی مترقی، مردمی و کمونیستی کنترل

نشود، به نابودی کشاندن جامعه عراق، به جنگ صلیبی شیعه و سنی و یوگوسلاویزه شدن عراق می انجامد. امروز ضعف دولت مرکزی، عدم مقاومت و زد و بندهای فرماندهان ارتش و مقامات دولتی در شهرهای مختلف در مقابل داعش، امکانی را برای دولت خودمختار باز کرده تا بعنوان نیرویی که امکان و توان مقاومت در مقابل داعش و متحدینش را دارد، وارد میدان شود. دولت خودمختار کرد در دفاع از منطقه تحت حاکمیت خود و همزمان به امید داشتن سهم بیشتری از آینده عراق است.

حمله نظامی بازماندگان ارتش بعث و داعش به شهرهای عراق، و کشتارهای وحشیانه آنان، یکبار دیگر امکانی را برای تمام جریانات ارتجاعی در عراق باز کرده که به نام دفاع از زندگی و آسایش و امنیت مردم و ناجی تمدن و انسانیت، آنها را به جنگ شیعه و سنی، کرد و عرب بکشاندند. جریاناتی که در دوره حمله نظامی آمریکا و اشغال عراق، موفق شدند مردم را به گوشت دم توپ جدالهای خود تبدیل کنند.

مقابله با نابودی جامعه عراق، مقابله با بازماندگان ارتش بعث و داعش، مقابله با نیروهای مقتدی صدر و سیستانی و مالکی و پاک کردن عراق از وجود این جنایتکاران،

امروز کمونیستهای عراق، دو حزب کمونیست کارگری عراق و کردستان میتوانند در راس سازمان دادن مردم و مسلح کردن آنها برای دفاع از زندگی خود باشند. آماده کردن مردم برای دفاع از خود، سازمان دادن واحدهای متحد، مسلح و غیرمسلح مقاومت، وظیفه هر انسان شرافتمند و هر نیروی هوشیار و آزادیخواهی است. بازماندگان بعث، داعش، مقتدی صدر و مالکی را باید در هم شکست و همه نیروهای تروریست و جنایتکار را باید متوجه کرد که کمونیستها، آزادیخواهان و مردم شرافتمند عراق اجازه توحش و جنایات را به آنها نخواهند داد. چنین کاری تنها با سازمان دان مقاومت مردمی به کمک آزادیخواهان و کمونیستها و مستقل از جریانات قومی و مذهبی حاکم در عراق ممکن است.

#### حزب کمونیست کارگری ایران -

#### حکمتیست (خط رسمی)

۱۴ ژوئن ۲۰۱۴

در مقابل کل این صف ارتجاع بومی و منطقه ای، مردم انقلابی باید صف مقاومت برای دفاع از کار و زندگی خود را سازمان دهند. تنها وجود مردم سازمان یافته، متحد و مسلح است که میتواند ضامن پاک کردن محل کار و زیست آنها از هر جریان ارتجاعی، و تامین کننده امنیت برای همه شهروندان مستقل از مذهب و ملیت و قومیت و نژاد باشد. کنار زدن کل این اردوی ارتجاع کار مردم آزادیخواه و در راس آن کمونیستهای عراق است.

امروز کمونیستهای عراق، دو حزب کمونیست کارگری عراق و کردستان میتوانند در راس سازمان دادن مردم و مسلح کردن آنها برای دفاع از زندگی خود باشند.

آماده کردن مردم برای دفاع از خود، سازمان دادن واحدهای متحد، مسلح و غیرمسلح مقاومت، وظیفه هر انسان شرافتمند و هر نیروی هوشیار و آزادیخواهی است. بازماندگان بعث، داعش، مقتدی صدر و مالکی را باید در هم شکست و همه نیروهای تروریست و جنایتکار را باید متوجه کرد که کمونیستها، آزادیخواهان و مردم شرافتمند عراق اجازه توحش و جنایات را به آنها نخواهند داد. چنین کاری تنها با سازمان دان مقاومت مردمی به کمک آزادیخواهان و کمونیستها و مستقل از جریانات قومی و مذهبی حاکم در عراق ممکن است.

کارگران جهان متحد شوید!

## در حاشیه ...

سوریه، تقاطع خونین تقسیم مجدد جهان بین دول امپریالیستی اعلام شد. اما این تقسیم بندی نه در صلح و صفا بلکه بر متن بربریت های عظیم آغاز شده است. سوریه تنها یکی از این ایستگاهها بود. زین پس راه سرمایه مبیایست با خون بیشتر آدم گشوده شود؛ یا باید بمیرد یا تا آنجا که جان دارد مردم را می برد. کشتار مردم عادی در غرب عراق توسط القاعده ای - سلفی های داعش وابسته به تأمین مالی ولجستیکی عربستان و متحدین بعثی شان نمونه آشکار همین بربریت است. عراقی که سیزده سال است منشأ بی ثباتی سیاسی و اقتصادی است و مدتهاست از نفس افتاده، مناسبترین جایی است که یک عمامه و یک تفنگ میتواند تمام آن چیزی شود که برای شروع جهاد کثیف مذهبی و قومی علیه انسانیت کفایت کند.

در مقابل این بربریت، تنها یک راه وجود دارد. متحد کردن مردم در قالبی که بر زندگی روزمره خود حاکمشان کند و دست درآوردسته های اسلامی و قومی را از زندگیشان کوتاه کند. این تباهی و این ارتجاع تعمیم یافته را تنها با پاکسازی آن و با قدرت میتوان پاسخ داد. عراق جانی است که قدرت تماماً از لوله تفنگ می گذرد. باید قدرت داشت و این طوله اوژیاس را به زور پاک کرد. و این قبل از همه کس و هر جبرستانی، دست کمونیست ها و سوسیالیست های آن خطه را می بوسد. کسی که در این امر علیه کمونیست ها و آنها را تضعیف کند دارد به مردم عراق و به انسانیت خیانت میکند؛ دنیای امروز با بیست سال پیش تفاوتی فاحش دارد. دنیای امروز با دنیای قرن نوزده یکی نیست؛ دنیای امروز دنیای رواندا است؛ دنیای جرج بوش و بن لادن است. دهه ۷۰ میلادی اصلاً قابل تصور نبود در جایی مانند رواندا نصف جمعیت کله یک میلیون نفر از بقیه را با ساطور بزند و یا در مقابل دوربین تلویزیون سر انسان را برید، یا هواپیمای مسافربری را تبدیل به موشک کرد و با آن ساختمان ها را فرو ریخت. در آنزمان بغداد امروز برای هیچکس قابل تصور نبود. امروز اوضاع عراق، به هر کجا که می رود تنها نخواهد رفت؛ با سلاخی دوباره عراق، روند تخریب زندگانی بشر قرن ۲۱، بار دیگر جرقه میخورد. عراق و تجربه هولناکی که انسانیت امروز در برابر آن ایستاده از آن همه ماست، سرنوشتی که به دست کثیف ترین نظام جهان یعنی سرمایه داری رقم خورده است.

## ماریکانا زنده است

بیش از ۸۰ هزار نفر از کارگران معادن آفریقای جنوبی که برای شرکت های انگلیسی - آمریکایی امپلاتس، امپیللا پلاتین و لومین در منطقه ماریکانا کار می کنند از ۲۳ ژانویه امسال تا امروز دست به اعتصاب زده اند. راجر باکستر از اعضای اتاق معادن آفریقای جنوبی می گوید که این اعتصاب روزانه حدود ۳۶ میلیون دلار به سود شرکت ها لطمه می زند. معدنچیان حداقل دستمزد ماهانه ای ۱۲۰۰ دلار را برای کارگران مبتدی خواستار شده اند. این رقم دو برابر رقمی است که در حال حاضر کارگران دریافت می کنند. کارفرمایان این مطالبه را غیر واقعی دانسته و می فرمایند که شرکت نمی تواند چنین رقمی را به کارگران پرداخت کند و تنها به ۱۰ درصد افزایش دستمزد اشاره کرده اند. آخرین مذاکره وزیر معدن با تشکل اعتصابیون یعنی اتحادیه معدن و کارگران ساختمان روز دوشنبه گذشته به جایی نرسید و تصمیم گرفته اند بجای مذاکره با اتحادیه، ضمن دور زدن آن، از این به بعد مستقیماً با معدنچیان وارد گفتگو و معامله شوند. هدف، روشن است؛ در هم کوبیدن اعتصاب توسط وزیر معادن و کارفرمایان شرکت ها، از طریق دامن زدن به تفرقه و دو دستگی در صفوف کارگران؛ با تقسیم کردن آنها به کارگران یقه سفید و یقه آبی؛ نیمه وقت و تمام وقت؛ بومی و مهاجر؛ و کارگر و فعال کارگری که متوجه مهمترین خاصیت این ترفند بورژوازی، یعنی حفظ و تضمین تفرقه و ما به ازای آن یعنی شکست اعتصاب بر سر افزایش حداقل دستمزد پیشنهادی کارگران نباشد، کلاهش پس معرکه است و دو دستی مبارزه را واگزار کرده است. تا الان سازماندهندگان و رهبران این اعتصاب بر امر اتحاد درونی طبقه کارگر و مبارزه علیه پراکندگی در صفوف شان پای فشرده اند و با اعلام اینکه مذاکره تنها از کانال تشکل ما رسمیت خواهد داشت عملاً دست رد به سینه وزیر معادن و ترفند مذاکره مستقیم با کارگران اعتصابی زده اند.

معدنچیان شش ماه است چرخ تولید و استخراج را خوابانده اند. کار نمیکنیم تا حقوقمان را دو برابر نکنید، ادامه همان مطالبه ای است که بیش از ۳۵ تن از همزمان و هم طبقه ای های آنان را دو سال پیش توسط نقشه دولت و پلیس در هماهنگی کامل با صاحبان سرمایه در مقابل درب آهنین معدن لومین به رگبار گلوله بستند؛ کارگرانی که بنا به تعریف، ارکان سود دهی سرمایه را به خطر انداختند و با عکس العمل

دولت روبرو شدند؛ امروز اما بازتاب آن نبرد جانانه و نابرابر را در قامت صف متحد هزاران هزار معدنچی اعتصابی می بینیم؛ نبردی که نه تنها به دشمن طبقاتی واگزار نشد بلکه امروز نشان داده که هیچ درجه ای از سرکوب و اختناق، مبارزه گاه آشکار و گاه پنهان کارگران بر سر دستمزد و ساعت کار را از میان نمی برد. کشاکشی که همزاد سرمایه است و تنها با از میان رفتن سرمایه داری پایان می یابد. درس های آن تجربه تلخ و آن دستاورد پر افتخار چیزی نیست جز اینکه دولت در هر رنگ و لعابی چیزی نیست جز ابزار سرکوب؛ نیروی قهریه ای است جهت دفاع از ساخت مقدس سرمایه؛ قانون در تمام دنیا همین است: مالکیت فردی بر ابزار تولید مقدس است، استثمار و بهره کشی از کارگر قانونی است، سرمایه دار حق دارد مطابق نرم موجود در جامعه سود بسبرد. هر فعلیتی که این قوانین را نفی کند یا آنها را مورد تعرض قرار دهد جرم است، پیگرد قانونی دارد و نهایتاً با قدرت سرکوب دولت روبرو است.

بنا به اعتراف وزیر معادن، آفریقای جنوبی طولانی ترین اعتصاب تاریخ خود را از سر می گذراند. آفریقای که دیر زمانی است به صف قتل عام های نفرت انگیز انباشت سرمایه و سود کلان در جهان معاصر پیوسته است.

## آخوردولت امید

سخنرانی روحانی در مراسم سالگرد تاجگذاری دولت امید و اعتدال، مستقل از نعره های دین فروشی اش اما پیام قابل تعمقی دارد: دولت همه مردم؛ کشور از آن مردم است؛ جشن امید همه ما؛ ما منتظر هستیم؛ ما برای صلح و آشتی و برادری در کنار هم جمع شدیم؛ امروز، روز اتفاق و وحدت است؛ فرهنگ از آن مردم است و... و گویا ایشان همین امروز از قله دماوند با یک کوله پشتی به تهران رسیده اند و از آنجا که خیلی مردم دوست شان داشتند، رئیس جمهور هم شده اند.

از پاره های آسید که بگذریم، داده هائی که بر اساس آن و بر پایه آن ها حاکمیت سرمایه در ایران (چه با ساختار غیر مذهبی دیروز و چه با رویبای مذهبی امروز) شکل گرفته، به عوامل آن اجازه نخواهد داد که آب خوش از گلو پانین برزند. نمی توان یک رژیم فاشیست، سرکوبگر، تا دندان مسلح و پیستید را با یک نمایش دولت امید و دولت همه مردم به رژیم مقبول منتسب و ولتر تبدیل کرد؛ چه حسن آقا سخنرانی بکند و چه نکند؛ باید جایی اقتصاد آن مملکت

بچرخد؛ باید جایی دولت، ضامن مالکیت مالک و انباشت بیشتر سرمایه باشد؛ دولتی که تعرض به ساحت مقدس سرمایه را سرکوب کند و در عین حال ضامن سودآوری سرمایه زیر شلاق استبداد و تاهمین نیروی ارزان و خاموش برای این امر باشد. این، ماهیت و خصلت دولت در حوزه کار ارزان کثوری مانند ایران، ترکیه، آفریقای جنوبی و... است. در جامعه طبقاتی، چپاندن منفعت همه در پدیده ای بنام دولت همگانی اتوبی و خیال است. حاج حسن و ابادی اش تا اطلاع ثانوی، منتخبین و پیاوه گویان قابل بورژوازی داخل و خارج ایران در راستای این امر مقدس اند. روحانی هر که هست و هر که نیست، نه می تواند داده های پایه ای و طبقاتی دولت را تغییر دهد، و نه اینکه طبقات اجتماعی در موقعیتی قرار گرفته اند که در برابر معضلات سیاسی بتوانند از خود سعه صدر و شناخت فلسفی و تعامل نشان دهند. این واقعات قرار است پشت پیاوه گویی های ناسیونالیستی جناب رئیس جمهور تحت عنوان همه با هم برادریم در کیسه آشتی کار و سرمایه قانم شوند.

در کشوری که حقوق ماهانه یک کارگر به سختی کفاف یک سفره نان را می دهد، جمعیت مالکان و نومالکان خانه های شمال شهر تهران که بهای ملک شان از صدها میلیون تومان فراتر می رود، نمی توانستند با مسئله دولت برخوردی بی طرفانه داشته باشند. واقعیت این است که چنین برخورد بی طرفانه ای نیز وجود ندارد؛ اینها هر چند ظاهراً دم از مخالفت با دولت بزنند، زندگی شان، درآمدشان، امنیت صدها میلیون تومان ثروت شان و حتی مسافرت ها و عیاشی های داخل و خارج از کشورشان نیز مدیون همین دولتی است که سر خیابان ها عربده می کشد. خواهر! حجابت رو رعایت کن...

اینها با تمام غرولندشان به این دولت و روحانی نیاز دارند. برای طبقه کارگر اما، معنای کمترین بهبود در زندگی چیزی نیست جز جارو کردن بساط این حاکمیت. میدان سیاست در ایران را در این مقطع نمی باید به دست هیاهوی دولت طبقه حاکمه سپرد. برای طبقه کارگر، جنبش رهایی زن و آزادخواهی و برابری طلبی در جامعه ایران، انتظار از دولت و سرمایه باختی است سیاسی و غیر قابل جبران؛ باختی که میدان را تا همین الان در اختیار بورژوازی قرار داده است. فرصتی است که صف طبقاتی و مستقل خود را در برابر بورژوازی آرایش دهیم.

زنده باد سوسیالیسم

مرکز بر جمهوری اسلامی

**زنده باد کارگران ...**

انکار این اعتراضات و فشار آن بر دولت برزیل و فیفا دیگر ممکن نیست. اینرا توده وسیع مردمی که زیر خط فقر زندگی میکنند و بخصوص طبقه کارگر برزیل و در راس آن کارگران حمل و نقل ممکن کردند. زمانیکه میدیای دست راستی و دولت برزیل واداره به منعکس کردن خیر شدند نام آترا اعتراض علیه جام جهانی نام گذاشتند و تلاش کردند این اعتراضات را در تناقض و علیه شادی و زیبایی فوتبال نشان دهند. اما اعتراض چنان گسترده و وسیع است که در جای تبلیغات دست راستی را خفه کرد.

اعتراض به آواره کردن بیش از ده هزار خانواده از مناطق توریستی و استادیومها، در ریو دوژانیرو، و انتقال آن‌ها به زاغه نشینها (فالو) بدون امکانات آب و برق، اعتراض به مرگ ۱۲ کارگر در حسین درست کردن استادیومها، به فقر و بی امکاناتی بخش اعظم جامعه خود را در شکل اعتراضات خیابانی و اعتصابات کارگر نشان داد. طول یکسال گذشته برزیل نه فقط بدلیل برگزاری جام جهانی ویا بدلیل تأخیر در پروژه های پرهزینه فیفا، که بدلیل این اعتراضات و اعتصابات به مرکز توجه دنیا تبدیل شد. مردم برزیل از این فرصت که کشورشان در کانون توجه دنیا قرار گرفته بود، استفاده کردند و دولت برزیل برای رسیدن به مطالبات خود تحت فشار گذاشتند و در مواردی موفق شدند دولت را وادار به عقب نشینی کنند. سال گذشته سال اعتراضات میلیونی به وضعیت نابسامان

اقتصادی، فقر، گرانی و تورم بود.

در این یکسال و بخصوص با نزدیک شدن جام جهانی، اعتصاب به بخشی از زندگی روزمره مردم برزیل تبدیل شد. اعتصاب کارگران ساختمانی استادیوم سنت پائولو در اعتراض به کشته شدن ۱۲ کارگر در حین کار، اعتصاب های مکرر کارکنان حمل و نقل در شهر سالوادور، سومین شهر بزرگ برزیل، اعتصاب کارگران اتوبوس ریودوژانیرو، اعتصاب کارمندان بانک، استادان دانشگاه ها و کارکنان خدمات بهداشت و درمانی برزیل، اعتصاب پلیس ضد شورش سالوادور، اعتصاب کارگران فرودگاه شهر ریودوژانیرو، اعتصاب کارگران مترو در سانوپائولو علیرغم حکم دادگاه کارگر مینی بر سوءاستفاده کارگران از قدرت خود و تهدید فرماندار سانو پائولو به اخراج کارگران اعتصابی، اعتصاب سراسری کارکنان اتوبوسرانی در برزیل، اعتصاب کارکنان سفارتخانه های برزیل در شمال آفریقا و اروپا، اعتصاب سراسری معلمان، اعتصاب پلیس فدرال، ... همگی با خواست اضافه دستمزد و شرایط مناسب تر کار مانند کاهش ساعات کار، حقوق ویژه بابت فشار مضاعف کار، فقط گوشه کوچکی از اعتراض جامعه ای است که بنا به آمار رسمی ۱۶ درصد آن زیر خط فقر زندگی میکنند. به این اعتصابات باید اعتراضات خیابانی از تظاهرات میلیونی در شهرهای مختلف تا زد و خورد های خیابانی و بالاخره اعتصاب عمومی و تظاهرات دهها هزار نفر از اعضای اتحادیه های کارگری در

آستانه شروع جام جهانی در سال گذشته را نیز اضافه کرد.

طبقه کارگر و مردم محروم برزیل هزینه گرانی برای برپایی جام جهانی دادند و علیرغم سرکوب و سانسور دولت برزیل اعتراضات خود را به گوش جهانیان رساندند. اتحادیه های کارگری در برزیل دولت را برای برآورده کردن مطالبات خود تحت فشار جدی گذاشته و در مواردی وادار به عقب نشینی کرده اند. طبقه کارگر برزیل تجربه موفق اعتصاب کارگران مترو در لندن، به رهبری باب کرو، برای افزایش دستمزد و حقوق ویژه بدلیل فشار کار در دوره بازیهای المپیک، و تحمیل آن به دولت را به دست گرفتند. علیرغم تلاش دولت دست راستی انگلیس کارگران مترو در لندن نشان دادند که نه علیه فضای شادی پیروزی انگلیس در المپیک که خواهان بهبود شرایط کار و زندگی خود هستند. طبقه کارگر برزیل همین تجربه را بدست گرفته است و از این زمان مناسب برای احقاق حقوق خود استفاده میکنند. به گفته یکی از رهبران کارگری در برزیل تنها راه برای فشار به دولت اعتراض در روزهای است که دنیا چشم به برزیل دوخته!

مدتهاست ورزش و ویژه فوتبال صرفاً ورزش و بازی زیبایی نیست، مدتهاست فوتبال و جامهای جهانی و المپیک و ... دیگر صرفاً مسابقاتی ورزشی نیست و مدتهاست که برد و باخت در فوتبال دستمایه تسویه حسابهای سیاسی و بخصوص ابزاری برای دامن زدن به احساسات ملی، بوجود آوردن

اتحاد ملی است. ظاهراً اسام این وظیفه به دوش تیم فوتبال برزیل افتاده است. برد و قهرمانی تیم فوتبال برزیل میتواند نقشی اساسی برای احیا غرور ملی، ساکت و حاشیه ای کردن کردن اعتراضات داشته باشد. امروز کماکان در برزیل همه درباره بازیهای جام جهانی صحبت می کنند. جام جهانی و امید به قهرمانی تیم برزیل امکانی است هرچند موقت برای فراموش کردن مصائب زندگی و فرصتی برای دست یافتن به رویای مشترک!

اما ظاهراً بازی زیبا، تاکتیک دقیق و هوشیاری در بازی مختص فوتبالبسته های برزیلی نیست. کارگران برزیل با همان درجه از زیبایی، دقت، هوشیاری بهترین تاکتیک و بهترین زمان را برای زدن گل به دولت بورژوازی برزیل انتخاب کردند. به امید پیروزی کارگران برزیل، زنده باد کارگران برزیل!

**” تلاش هرروزه کارگر برای بهبود اوضاع اقتصادی و رفاهی و حقوق مدنی توده وسیع مردم با مانعی جز بورژوازی و دولت ها و احزاب و مبلغینش روبرو نیست. خیزش های توده های وسیع مردم در مناطق عقب مانده و محروم برای دخالت در سرنواشت خویش، بعنوان اولین مانع با نیروی قهریه بورژواهای محلی و بین المللی روبرو میشود. دولت، نهاد مذهب، رسانه ها و دستگاه های تبلیغاتی عظیم بورژوازی، سنت ها و اخلاقیات و نظام تربیتی و آموزشی طبقه حاکمه سازنده ذهنیت های عقب مانده، متعصب و تبعیض گر در بین توده مردم و نسلهای پی در پی است. جای تردید نیست که این سرمایه داری و بورژوازی است که سد راه نقد و تغییر جهان امروز توسط میلیون ها انسانی است که نه فقط از نظام موجود به تنگ آمده اند بلکه کمابیش خطوطی را که یک جامعه شایسته انسان باید بر طبق آن سازمان یابد شناخته اند. ...**

یک دنیای بهتر - برنامه حزب حکمتیست (خط رسمی)

[www.hekmatist.com](http://www.hekmatist.com)

سردبیر: فواد عبدالمهدی

[fuaduk@gmail.com](mailto:fuaduk@gmail.com)

تماس با حزب

[hekmatistparty@gmail.com](mailto:hekmatistparty@gmail.com)

حکمتیست هفتگی را بخوانید و آنرا وسیعاً توزیع کنید.



**زنده باد انقلاب کارگری**